

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

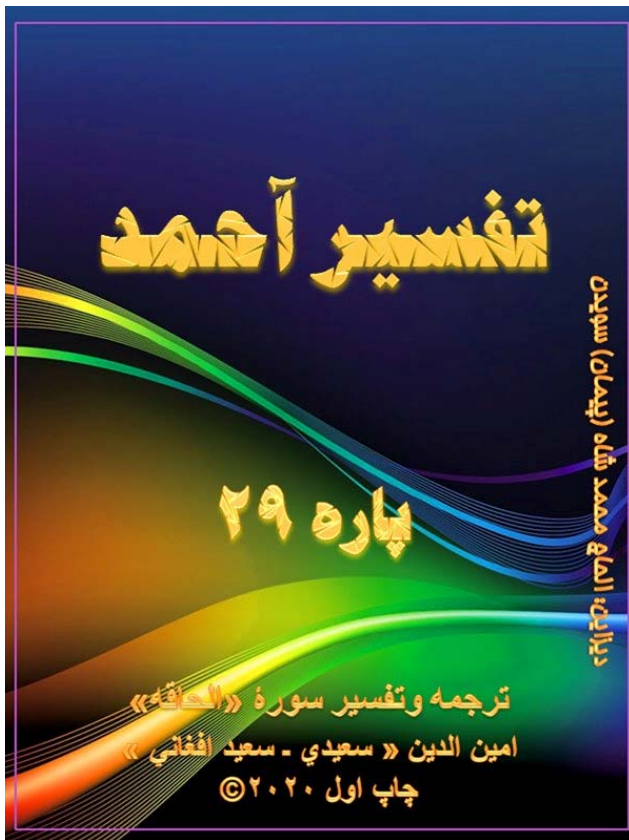
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۲۳ نومبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة الحاقه

۴



سورة حاقه در مکه مکرمه نازل شده و دارای پنجاه و دو آیت و دو رکوع می باشد.

فضیلت دست راست بر چپ در آیات قرآنی:

در آیت (سورة اسراء) آمده است: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِيْنِهِ فَاُوْلٰئِكَ يَفْرُوْنَ كِتَابَهُمْ» یعنی: (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایان شان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راست شان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند.

و یا هم در سورة (واقعه آیت ۹۱) می خوانیم: «فَسَلَامٌ لِّكَ مِنْ اَصْحَابِ الْيَمِيْنِ» یعنی: (به او گفته می شود): سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب راست اند.

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * اِلَّا اَصْحَابَ الْيَمِيْنِ * فِيْ جَنَّاتٍ يَّتَسَاءَلُوْنَ» (مدثر ۳۸-۴۰) یعنی: (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، مگر اصحاب یمین (راست) (که نامه

اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوای شان به دست راست شان می دهند) آنها در باغهای جنت اند، و سوال می کنند. و هنگامی که از پیامبرانش خبر می دهد، می فرماید: «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِيْنِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا اِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاجِرٌ وَلَا يُفْلِحُ

السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» (سوره طه آیت ۶۹). یعنی: (ای موسی) آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته‌اند می‌بلعد! آنچه ساخته‌اند تنها مکر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد.

– «فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ * مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ * فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا بِالْيَمِينِ» (سوره صافات ۹۱-۹۳). یعنی: (ابراهیم وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی‌خورید؟! چرا سخن نمی‌گوئید؟! سپس به سوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد.

– «وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ» (سوره واقعه آیت ۴۱). یعنی: و اصحاب شمال (چپ)، چه اصحاب شمالی (که) نامه اعمالشان به نشانه جرم ایشان به دست چپ آنها داده می‌شود).

– «وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ» (سوره حاقه آیت: ۲۵). یعنی: اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند.» در آیات متذکره به وضاحت تام بر فضیلت دست راست تأکید به عمل آمده است.

احادیث نبوی و فضیلت دست راست بر چپ:

در مورد فضیلت دست راست بر چپ احادیث متعددی روایت گردیده است که ما در این بحث به ذکر برخی از این روایات، ذیلاً اکتفاء می‌نمائیم:

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده است که: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ: فِي طَهْوَرِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَتَنْعَلِهِ». متفق علیه. صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۶۸)، صحیح امام مسلم (۲۶۸).

یعنی (پیامبر صلی الله علیه وسلم شروع و انجام امور را از سمت راست در تمام کارهایش در غسل و وضوء و شانه کردن موی سر و پوشیدن بوت های خویش، دوست می داشت.)

همچنان در روایت دیگری آمده است: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، الْيُمْنَى لِيَطْهُرَهُ وَطَعَامِهِ، وَكَانَتْ الْيُسْرَى لِيَخْلَانِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى». حدیث صحیح، رواه أبو داود و غیره.

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم دست راستش را برای وضو و غسل و خوردن خویش و دست چپش را برای دستشویی و رفع حاجت و هر آلودگی دیگری به کار می گرفت». حدیثی صحیح است که ابوداود (۳۳) و غیر او به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

هكذا در حدیثی از ام عطیه رضی الله عنها روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام غسل دخترش زینب به زنانی که او را غسل می‌دادند، فرمودند: «إِبْدَأْنَ بِيَمَانِهَا وَمَوَاضِعِ الْوُضُوءِ مِنْهَا» متفق علیه. «غسل را از طرف های راست و اعضای وضوی او شروع کنید». صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۶۷)، صحیح امام مسلم (۶۴۸/۲).

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيُمْنَى، وَإِذَا تَرَاعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ. لِتَكُنَّ الْيُمْنَى أَوْلَهُمَا تَنْعَلُ، وَآخِرُهُمَا تَنْزَعُ» متفق علیه.

یعنی: «هر گاه یکی از شما بوت های خویش را می پوشید، از راست و وقتی آن را از پای بیرون می آورید، از چپ شروع کنید، تا پای راست، در پوشیدن اول باشد و در آوردن آخر». صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۵۸۵۶)، صحیح امام مسلم (۲۰۹۷).

همچنان در حدیثی از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ». یعنی: «هرگاه کسی غذا خورد با دست راستش بخورد، و اگر آب نوشید با دست راست بنوشد، چرا که شیطان با دست چپش می خورد و می نوشد». مسلم (۲۰۲۰).

- هکذا در حدیث دیگری آمده است: «إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَتَنَفَسُ فِي الْإِنَاءِ وَإِذَا أَتَى الْخَلَاءَ فَلَا يَمَسُ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَلَا يَتَمَسَحُ بِيَمِينِهِ» (متفق علیه) یعنی اگر کسی از شما چیزی بنوشد در ظرفش تنفس نکند و اگر وارد بیت الخلاء شود آلتش را با دست راست لمس نکند و با دست راستش خودش را پاک نکند.

همچنان در حدیثی از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنه آمده است: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيَمْنَى لَطَهْرَهُ وَطَعَامَهُ، وَكَانَتْ يَدُهُ الْيَسْرَى لِحَلَالِهِ، وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى» یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم دست راستش را برای وضوء گرفتن و خوراک خوردنش استفاده می کرد و دست چپش برای قضای حاجت و رفع نجاست استفاده می کرد.

همچنان حضرت حفصه رضی الله عنها در حدیثی می فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَجْعَلُ يَمِينَهُ لَطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ وَثِيَابِهِ وَيَجْعَلُ يَسَارَهُ لِمَا سِوَى ذَلِكَ» (روایت ابو داود و ترمذی و غیره).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم دست راست خود را برای خوردن و نوشیدن و جامه خویش اختصاص داده و دست چپ خود را برای دیگر امور قرار داده بود. این بود برخی از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که هم شخص خودش اعمال خوب را به دست راست آغاز می کرد و هم برای صحابه کرام هدایت می فرمود تا اعمال خوب را به دست راست آغاز کند.

فرشتگان راست و چپ و فرشتگان نگهبان:

در منابع اسلامی تذکر داده شده است که: همه موجودات مخصوصاً انسانان پیوسته در معرض حوادث و آزار جسمی یا خطرات روحی، چون فریب و وسوسه شیطان و نفس اماره و سقوط ظاهری و باطنی قرار دارند. پروردگار با عظمت ما گروهی از ملائک را مأمور و موظف حفظ، مراقبت و نگهبانی انسانها قرار داده است طوری که در سوره مبارکه رعد آیت ۱۷ می فرماید: «از فرشتگان محافظینی به نام معقبات (تعقیب کنندگان) پیوسته از جلو و پشت سر و در اطراف او، به حفاظت و مراقبت وی می پردازند.

هکذا برای هر انسان یک فرشته خاصی برای نگهبانی توظیف گردیده است. طوری که در سوره طارق آیت ۴ می خوانیم: «و نیست انسانی مگر بر او نگهبانی است، این نگهبان حفاظت از جان و روح او و قرار دادنش در مسیر حق و هم چنین حراست از جسم او را در مقابل خطرات به عهده دارند.»

دریافت اعمال نامه به دست راست:

یکی از بزرگترین شرفی که دست از آن برخوردار است، این است که شرف نوشتن را پروردگار با عظمت به دست اعطا نموده، همانطوری که شرف نطق را به زبان هدیه داده است.

پروردگار با عظمت ما طوری که در فوق بدان اشاره نمودیم، ملائکه ای را مأمور گردانیده که مصروف نوشتن اعمال نامه خلق است و بر آنها نگهداری می کنند. الله تعالی می فرماید: «وَأَنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ * كَرَامًا كَاتِبِينَ * يَكْتُبُونَ مَا

تَفْعُلُونَ» (انفطار ۱۰-۱۲). یعنی: «البته و یقیناً نگرهبانها برای مراقبت احوال و اعمال شما مأمور اند، ملائکه هئی بزرگوارند که اعمال بندگان را می نویسند، شما هر چه کنید همه را می دانند».

و می فرماید: «إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق ۱۷-۱۸). یعنی: «دو ملائکه گفتار و کردار شخص را دریافت می دارند و آن را ثبت می کنند، یکی از دست راست و دیگری از دست چپ نشسته و همنشین او هستند، هر کلمه ای که بر زبان براند (از خیر و شر) آن را می نویسند و مراقب و حاضر حال اویند».

امام جلیل القدر و تابعی مشهور مجاهد بن جبر (متوفی سال ۱۰۴ هـ) در تفسیر این آیت متبرکه می فرماید: ملائکه ای در راست و ملائکه ای در چپ قرار دارد اما آن که در راست است خیر و دیگری که در چپ قرار دارد شر و بدی را می نویسد.

پس انسان باید فرشتگان را که اعمال او را می نویسند در نظر داشته باشد، و بپرهیزند از سخن یا کاری که پرودگار جهانیان از آن خشنود نباشد.

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَّةَ (۲۶)

و از حساب خود خبردار نشده بودم. (۲۶)

ای کاش به جزای اعمالم که در این نامه درج است اصلاً اطلاع نمی دانستم؛ زیرا عذاب درد آور و جزای سختی است که به اعمال آنان مترتب شده است.

«لَمْ أَدْرِ» «نمی دانستم».

يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ (۲۷)

ای کاش با مرگ کار تمام شده بود (و حساب و کتابی در میان نبود) (۲۷)

«لَيْتَهَا»: ضمیر (ها) به (موتة) یعنی مرگ بر می گردد.

«الْقَاضِيَةَ»: پایان دهنده. قطع کننده رشته زندگی.

ای کاش مرگ به همه چیز پایان می داد و اصلاً از قبر زنده بر نمی خیزتم و ای کاش در میدان محشر اصلاً ایستاده نمی شدم. و یا طوری که در (آیت ۴۰ سوره النبأ) می فرماید: «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» (روزی که هر کس هر چه کرده در پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز گوید که ای کاش خاک بودم (تا چنین به آتش کفر خود نمی سوختیم).

تعبیر به «قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (دو دست او آن را از پیش فرستاده) به خاطر آن است که انسان اکثر کارها را با دست خویش انجام می دهد، ولی مسلماً هدف در آیت متبرکه صرف به اعمال هر دو دست نیست، بلکه آنچه را که با زبان و چشم و گوش نیز انجام می دهد همه مشمول این قانون است.

فهم تفسیر در این آیت متبرکه همانا خواهش و آرزوی کافران است که ای کاش اصلاً در دنیا خلق نمی شدم و به همان حالت (اولی که خاک بودم) باقی می ماند، و یا این که ای کاش اصلاً خاک باقی می ماندم و زنده نمی شدم و جسم و روحم باز نمی گشت تا از حساب و بازخواست در این روز در امان می ماندم.

به هر حال کفار بعد از آن که اعمال تمام عمر خود را در برابر خویش حاضر می بینند، آن چنان در غم و حسرت فرو می روند که می گویند: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»، و این حکایت از شدت تأثر و تأسف آنها در حالتی که قرار دارند می باشد. بناءً نباید فراموش کرد که آگاهی از آینده، گامی برای تصمیم گیری صحیح امروز می باشد و به آن باید به دید جدی نگریست.

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةٌ (۲۸)

ثروتم عذاب را از من دفع نکرد (۲۸)

کافران با خود می گویند: «مال و منال من هیچ به کارم نیامد» یعنی: مال و منالی که در دنیا اندوخته بودم، هیچ چیز از عذاب خدا را از من دفع نکرد، هر چند آن‌ها را ذخیره و محافظت کردم اما مرا رها کرد.

قرآن عظیم الشان در باره صحنه های هولناک روز قیامت می فرماید: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (روزی که شخص از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزندانش می گریزد زیرا هر کدام شان درگیر حسابرسی شخصی خود می باشند. (سوره عبس، ۳۴-۳۷).

واقعاً اندوختن مال و ثروت بدون ایمان و مصرف آنها در جهت سعادت اخروی، مایه حسرت و تأسف در قیامت می باشد.

هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ (۲۹)

همه توان و قدرتم از دستم رفت (۲۹)

«سُلْطَانِيَّةٌ»: سلطان، عبارت از سلطه و قدرت است.

مراد، هم صحت بدنی و هم قدرت مقام و هم نفوذ کلام است. به «حکومت» سلطنت و حاکم هم سلطان گفته می شود، منظور این که آنچه در دنیا بر دیگران غلبه و تسلطی داشتیم، آن برتری و غلبه کوچکترین درد مرا دوا نکرد.

و می توان سلطان را به معنای حجت هم گرفت، در این صورت مراد این است که حجت و برهان دنیوی او باطل بوده و هم اینک عکس آن ثابت شده است.

مفسر کبیر جهان اسلام ابوحنیفه می فرماید: «قول ابن عباس (رض) و موافقان وی در این مورد که مراد از سلطان در اینجا حجتی است که کافر به آن در دنیا حجت نمائی می کرد، راجح است زیرا کسانی که نامه های اعمالشان به دست پیشان داده می شود، فقط پادشاهان و فرمانروایان نیستند بلکه این امر عام است در تمام اهل شقاوت».

خُدُوهُ فَغُلُّوهُ (۳۰)

او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید! (۳۰)

«فَغُلُّوهُ» از یاد نبریم که جزای دستها که در دنیا برای هرگونه، فسق، فساد، ظلم و ستم باز بود، در قیامت همانا غل و زنجیر است.

پروردگار جبار به مسئولین و موظفان دوزخ هدایت می فرماید، این مجرم را بگیرید و بند و زنجیرش کنید و طوق لعنت را هم در گردنش کنید یعنی، دست هایش را به گردنش ببندید و او را با خواری و شکست در دوزخ اندازید.

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ (۳۱)

سپس وی را در دوزخ بیفکنید. (۳۱)

«صَلْوُهُ»: او را داخل آتش کنید (مراجعه شود به سوره: نساء، ابراهیم، یس).

واقعاً در انسانهایی که در قلبش نور معرفت الهی، و در عملش، خدمت به مردم نباشد، بهتر است که بسوزد.

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعًا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

پس در زنجیری که درازای اش هفتاد ذراع است ببندید! (۳۲)

«سِلْسِلَةٍ»: زنجیر.

«ذَرْعٌ»: اندازه و درازا. برای اندازه گرفتن.

«سَبْعُونَ»: هفتاد.

«فِرَاعاً»: فاصله آرنج تا نوک انگشتان دست.

«أَسْئَلُوهُ»: جایگزینش کنید، داخلش کنید.

در آیت متبرکه می فرماید: بعد از آن به زنجیر آهنینی که هفتاد ذرع طول دارد، وی را طوری محکم ببندید که از جای خود شور خورده نتواند.

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

چرا که او هرگز به الله بزرگ ایمان نمی آورد. (۳۳)

«كَانَ لَا يُؤْمِنُ»: در طول زندگی دنیوی خویش، به توحید خدای بزرگ ایمان و باور نداشت و از بیگانگی و یکتائی او تصدیق نکرد.

ایمان به الله یعنی اعتقاد قطعی به وجود او سبحانه و تعالی و اعتقاد به ربوبیت و الوهیت و نامها و صفات او داشته باشیم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: هیچ کودکی نیست مگر آن که بر اساس فطرت به دنیا می آید؛ این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی بار می آورند بخاری (۱۳۵۸) و مسلم (۲۶۵۸).

هر مخلوقی - بدون این که با اندیشه یا از طریق آموزش به وجود پروردگار برسد - فطرتش بر اساس ایمان به الله قرار داده شده و هیچ کس از مقتضای فطرت خود منحرف نمی شود مگر آن که چیزی بر قلبش وارد شود و آن را منحرف سازد.

وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳۴)

و هرگز مردم را بر اطعام بینوایان تشویق نمی نمود. (۳۴)

«لَا يَخْضُ»: تشویق و ترغیب نمی کرد.

«طَعَامٌ»: به معنای غذا، یعنی خوراک دادن است. این که هیچ وقت نه خودش را برای غذا دادن به فقراء موظف و مکلف ساخت، و نه دیگران را به دادن طعام به فقیران و مساکین تشویق و ترغیب می کرد، یعنی هم خود بخیل بود و هم مردم را به بخل امر می نمود.

در این آیت مبارکه اهتمام و توجه خاصی به بینوایان و به گرسنگان، در کنار ایمان به الله مطرح شده است، وطی رهنمود و فرمان به بندگان خویش می فرماید در صورتی که خود توان کمک نداشته باشید، باید دیگران را برای کمک به گرسنگان تشویق و ترغیب کنی.

رسیدگی به حال فقرا و مساکین در اینجا عام است فرق نمی کند که فقیر، مؤمن باشد.

ابن کثیر در تفسیر این دو آیت می گوید: «یعنی او نه حق الله را می پرداخت و نه به خلق وی سودی می رساند و نه حق آنان را می پرداخت». روایت شده است که ابو درداء زنش را تشویق می کرد تا برای مساکین بسیار شورا ببزد و می گفت: با ایمان نصف زنجیر را از خود دور افگندیم پس آیا نصف باقی مانده آن را با انفاق از خود دور نیفگنیم؟ که این سخن ابودرداء به این دو آیت کریمه اشاره دارد.

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

ازینرو امروز هم در اینجا یار مهربانی ندارد. (۳۵)

در روز قیامت خویشاوندی ندارد تا به او فایده رساند، دوستانی ندارد که شفاعتش کنند و یاوری ندارد که از او دفاع کند.

بصورت کل دوزخیان، نه از لحاظ روحی در رفاه می باشند: «فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ» و نه از لحاظ جسمی. «و لا

طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ»

ادامه دارد